

فاطمه(س) بعد از رحلت پیامبر(ص)

منبع: برترین بانوی جهان فاطمه زهرا(س)، آیت الله مکارم شیرازی

ما زالت بعد ابیها معصبة الرأس باکیة العین، محترقة القلب.

«بعد از رحلت پیامبر پیوسته شال عزا به سر بسته بود، چشمانی گریان و قلبی سوزان داشت.»

* * *

دوران شیرین زندگانی بانوی اسلام فاطمه زهرا سلام الله علیها با رحلت پیامبر(ص) به سرعت سپری شد (هر چند به یک معنی در سراسر زندگی او، دوران شیرینی وجود نداشت، چرا که پیوسته فشارها و جنگها و توطئه های دشمنان بر ضد اسلام و پیامبر آرامش روح فاطمه (س) را بر هم می زد).

با رحلت پیامبر(ص) طوفانهای تازه ای از حوادث پیچیده و بحرانی وزیدن گرفت.

احقاد و کینه های بدر، خیبر و حنین که در عصر پیامبر(ص) در زیر خاکستر پنهان بود آشکار گشت.

احزاب منافقین به جنب و جوش افتادند تا هم از اسلام انتقام بگیرند، و هم از خاندان پیامبر(ص) و فاطمه زهرا(س) در مرکز این دایره بود که تیرهای زهرآگین دشمنان از هر سوی به سوی آن پرتاب می شد.

فراق و جدائی دردناک از پدر از یکسو.

مظلومیت غم انگیز و جانکاه همسرش امیرمؤمنان علی(ع) از سوی دیگر.

توطئه های دشمنان بر ضد اسلام از دیگر سو.

و نگرانی فاطمه از آینده مسلمین و حفظ میراث قرآن، دست به دست هم دادند و قلب و روح پاکش را سخت می فشردند.

فاطمه سلام الله علیها نمی خواهد با بیان غمهای خود روح پاک امیرمؤمنان علی(ع) را که سخت از آن اوضاع ناگوار و خلافتکاری های امت ضربه دیده، آزرده تر سازد.

به همین دلیل به کنار قبر پیامبر(ص) می رفت و با او درد دل می کرد، و سخنان جانسوزی همچون اخگر آتش که اعماق وجود انسان را می سوزاند، بر زبان می آورد.

«یا ابتاه بقیت و الهة و حیرانة فریدة، قد انخمد صوتی و انقطع ظهری و تنغص عیشی:»

«پدرجان بعد از تو، یکه و تنها شدم، حیران و محروم مانده ام صدایم به خاموشی گرائید، و پشتم شکست و آب گوارای زندگی در کامم تلخ شد.»

و گاه می گفت:

ماذا علي من شر تربة احمدا

الايشم مدى الزمان غواليا

صبت علي مصائب لوانها

صبت علي الايام صرن لياليا

«کسی که خاک پاک پیامبر(ص) را ببوید سزاوار است تا پایان عمر هیچ عطری را نبوید.

بعد از تو ای پدر آنقدر مصائب بر من فرو ریخت که اگر بر روزهای روشن می ریخت به صورت شبهای تیره و تار در می آمد.»

چرا فاطمه سلام الله عليها اینگونه اشک می ریزد؟

چرا اینهمه بی تابی می کند؟

چرا همچون اسپند بر آتش، قرار ندارد؟

آخر چرا؟!...

جواب این چراها را باید از زبان خود او بشنویم.

ام سلمه می گوید:

هنگامی که بعد از وفات پیامبر(ص) به دیدن بانوی اسلام فاطمه سلام الله عليها رفتم و جویای حال او شدم در پاسخ جمله های پرمعنی را بیان

کرد:

اصبحت بین کمد و کرب.

فقد النبی (ص) و ظلم الوصی.

هتک و الله حجابہ...

و لكنها احقاد بدرية.

و تراث احديّة.

كانت عليها قلوب النفاق مكتمنة.

«از حالم چه می پرسی ای ام سلمه که:

من در میان اندوه و رنج بسیار به سر می برم:

از یکسو پدرم پیامبر(ص) را از دست داده ام، و از سوی دیگر [با چشم خو می بینم که] به جانشینش [علی بن ابیطالب] ستم شده است.

به خدا سوگند که پرده حرمتش را دریدند. ...

ولی من می دانم اینها کینه های بدر.

و انتقامهای «احد» است.

که در قلوب منافقان پنهان و پوشیده بود.

ولی با اینهمه دفاع از او حریم قدس علوی و حمایتش از امیر مؤمنان(ع) در این دوران پر درد و رنج بر کسی پوشیده نیست.

گرچه حیاتش بعد از پدر همانگونه که خود از خدایش تقاضا کرد طولانی نشد و دو سه ماه بیشتر نگذشت که به جوار قرب خدا، و دیدار پدر

شناخت، ولی در همین مدت از بذل هرگونه فداکاری و ایثار در حق امیر مؤمنان(ع) و دفاع از اسلام فرو گذاری نکرد.

صلی الله علیک یا بنت رسول الله و رحمة الله و برکاته.

۱. مناقب ج ۳، ص ۶۲.

۲. مناقب. ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۲۵.